

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه فرهنگی

(صفحات ۳۷ تا ۶۴)

یونس عزتی^۱ * منصور حقیقتیان^۲ * احمد مؤذنی^۳

پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۴

دریافت: ۹۷/۰۸/۰۶

چکیده

مفهوم توسعه، حرکت رو به بهبود نظام اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. این مفهوم ابتدا بر محور حوزه اقتصادی- اجتماعی قرار داشت، ولی بعد از آن که سازمان یونسکو دهه پایانی سده ۲۰ میلادی را دهه جهانی توسعه فرهنگی نام‌گذاری کرد، محور اصلی آن، به حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی تغییر یافت. به طوری که توسعه فرهنگی به‌عنوان پیش‌شرط دستیابی به توسعه همه‌جانبه مطرح گردید. لذا با توجه به اهمیت توسعه فرهنگی، هدف این پژوهش بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگی شهروندان ایلام است. روش مطالعه پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است و از نظریه‌های سرمایه اجتماعی، بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما، جهت تنظیم فرضیه‌های پژوهش استفاده به عمل آمد. حجم نمونه ۳۸۵ نفر است که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعیین شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای spss, amos تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی و توسعه فرهنگی رابطه مستقیم و معناداری برقرار است. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی) در مجموع ۴۷ درصد از واریانس توسعه فرهنگی را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، تعهد اجتماعی و توسعه فرهنگی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان، ایران؛

E.yoonel391@gmail.com

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)؛

Mansour_haghighatian@yahoo.com

۳. استادیار علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Ahmad.Moazzeni@pnu.ac.ir

مقدمه

انسان برای دستیابی به یک زندگی خوب و آرام همیشه در تلاش بوده تا در محیط و فرهنگ اجتماعی خویش تغییر ایجاد کند؛ اما این تلاش‌ها با مقاومت ارزش‌ها، باورها و به قولی فرهنگ مواجه بود. لیکن انسان بی‌کار ننشست و به دنبال تغییر بود. پذیرش و تمایل به تغییر، بیانگر حرکت در راستای توسعه است. «توسعه به معنای تغییر و تحول، سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد. دلیل این ادعا، تغییراتی است که در شکل و محتوای زندگی بشر پیوسته به وقوع می‌پیوندد و به بهبود اوضاع زندگی منتهی می‌شود، لیکن توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی آگاهانه برای پیشرفت جامعه پدیده‌ی منحصربه‌فرد قرن بیستم است که در طول زمان با نگرش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است» (علائی، ۱۳۸۴: ۲). توسعه شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه از نیازهای زیستی و مادی انسان آغاز می‌شود تا به نیازهای غیرمادی و متعالی او برسد. از زمانی که مفهوم توسعه از مفاهیمی چون رشد و پیشرفت متمایز شد، توجه به مفهوم توسعه فرهنگی و فرهنگ در مباحث مرتبط با توسعه جایگاه بارزتر و ارزشمندتری پیدا کرد. به طوری که یونسکو دهه پایانی سده ۲۰ را به نام دهه توسعه فرهنگی نام‌گذاری کرد.

توسعه فرهنگی دارای الزامات و پیوندهای است که زمینه‌های لازم را برای پذیرش اصلاح، تغییر و نوسازی اندیشه، نگرش‌ها، باورها و دیدگاه‌های عمومی افراد جامعه فراهم می‌آورد که نتیجه آن خلق یک انسان جدید است. توسعه فرهنگی همان توسعه درون‌زا است که برگرفته از بطن جامعه و الگوها و ویژگی‌های خاص جوامع است که شرایط خاص خود را می‌طلبد. «از آنجا که ایران کشوری است پهناور با چشم‌اندازهای محیطی متفاوتی که باگذشت زمان فراز و نشیب‌های زیادی را طی نموده، به همین دلیل در نواحی مختلف آن، امر توسعه به شکلی متوازن صورت نگرفته و نابرابری‌هایی در میزان برخورداری از مواهب توسعه در آن به چشم می‌خورد» (زنگی آبادی و ابوالحسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۶). یکی از نواحی که از این نابرابری‌ها رنج می‌برد، استان ایلام است که به استناد مشاهدات و آمارهای موجود، در بحث توسعه بخصوص توسعه فرهنگی با مشکل مواجه است. داده‌های آماری نشان می‌دهد که استان ایلام در سال ۱۳۹۰ در بحث توسعه

انسانی دارای رتبه ۰/۶۸۲، رفاه اجتماعی با ۱۸/۸ میلیون ریال، نرخ باسوادی ۸۲٪ است؛ و همچنین نتایج آمارگیری فرهنگ رفتار خانوار سال ۱۳۹۶ بیانگر آن است که سرانه مطالعه شهروندان ایلام ۲:۴۸ دقیقه در ماه، سرانه گوش دادن به موسیقی ۱:۳۷ دقیقه در هفته و گوش دادن به رادیو ۷ دقیقه در روز، سرانه زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی ۵۴ دقیقه در روز، جزء ده استان پایین کشور است (سالنامه آماری مرکز آمار ایران).

عوامل اجتماعی و فرهنگی متعددی وجود دارد که روند توسعه را تقویت و یا سد می‌کند، یکی از آن‌ها سرمایه اجتماعی است. مفهوم سرمایه اجتماعی در بردارنده‌ی ویژگی‌های اساسی جامعه و سازمان‌های اجتماعی مانند شبکه‌ها، عرف و اعتماد عمومی است. سرمایه اجتماعی همکاری و تعامل بین اعضای یک جامعه را برای رسیدن به منافع افزایش می‌دهد (Putnam, 2001: 45). شناسایی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی با ارزیابی عناصر اصلی چون: مشارکت، اعتماد، روابط، تعهد و مسئولیت‌پذیری می‌تواند جامعه را در راستای توسعه فرهنگی یاری رساند. بررسی‌های انجام‌شده حکایت از تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه و ابعاد آن به‌خصوص توسعه فرهنگی دارد به عبارتی با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه انتظار می‌رود بسترهای لازم برای توسعه فرهنگی مهیا و تسهیل شود؛ بنابراین پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که عناصر اصلی سرمایه اجتماعی (مشارکت، اعتماد، روابط، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی) چه رابطه‌ای با توسعه فرهنگی دارند؟

۱- ادبیات پژوهش

۱-۱- ادبیات تجربی

در ارتباط با مفهوم توسعه و ابعاد آن به‌طور کلی مطالعاتی انجام گرفته که به‌صورت کمی و کیفی این موضوع را بررسی نموده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به مؤلفه‌های مرتبط با توسعه و ابعاد آن؛ برخی به عوامل تأثیرگذار بر توسعه دست گذاشته‌اند و در برخی دیگر بر آثار توسعه بر دیگر جنبه‌های زندگی تأکید شده است. در این مطالعه نیز تلاش شده تا به پژوهش‌هایی که اخیراً در زمینه توسعه با تأکید بر توسعه فرهنگی در داخل و خارج انجام گرفته به‌صورت مختصر اشاره شود.

محمدی و ایزدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به تحلیل سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با

استفاده از روش تحلیل عاملی پرداخته‌اند. هدف از پژوهش آن‌ها، تعیین و تحلیل سطح توسعه فرهنگی و نابرابری ناحیه‌ای مناطق شهری اصفهان با استفاده از فن تحلیل عاملی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۴ منطقه شهرداری اصفهان است. رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی کمی و تحلیلی» است. در این پژوهش ۳۵ شاخص با روش تحلیل عاملی خلاصه شده و به ۵ عامل تقلیل یافته و به صورت ترکیبی در عوامل معنی‌دار ارائه گردیده است. بهره‌گیری از فن مزبور سهم عوامل تأثیرگذار در توسعه فرهنگی مناطق مشخص شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این ۵ عامل، روی هم رفته ۱۱/۹۳ درصد از واریانس را محاسبه و تین می‌کشد. عامل اول به تنهایی ۱۲/۵۳ درصد و عوامل بعدی به ترتیب ۲۲/۱۷، ۱۱، ۳۸/۴ و ۳۸/۴ درصد از واریانس را محاسبه و توضیح می‌دهد.

موسوی و دیگران (۱۳۹۱)، به «ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهرهای استان آذربایجان غربی» پرداخته و چنین نتیجه‌گیری شده است که ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، علاقه‌ی فراوان به جامعه، تعاون و همیاری و روابط خانوادگی و دوستان، دارای رابطه معناداری با توسعه پایدار شهری می‌باشند. بعد اجتماعی به دلیل ارتباط ضعیف با توسعه پایدار شهری معنی‌دار نیست. در مجموع بر اساس نتایج به دست آمده «علاقه‌ی فراوان به جامعه» با میزان ۰/۳۹۵ دارای بیشترین تأثیر در توسعه پایدار شهرهای استان آذربایجان غربی بوده است. نهایتاً می‌توان گفت که بین توسعه پایدار و سرمایه اجتماعی اینک بر اساس واقعیات موجود به میزان ۰/۶۷ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه وجود دارد.

حبیب پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی زنان، مطالعه موردی استان قم» به بررسی وضعیت توسعه فرهنگی استان قم و عوامل مؤثر بر آن در قالب نظریه‌های نوسازی، سرمایه اجتماعی و فمینیستی و با استفاده از روش پیمایشی پرداخته‌اند. یافته‌ها، بیانگر سطح پایین توسعه فرهنگی در بین زنان استان قم است و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آن پایگاه اقتصادی- اجتماعی، نوگرایی و سرمایه اجتماعی، متغیرهای الگویی و باورهای جنسیتی دانسته‌اند.

رحیمی کیا و رشیدپور (۱۳۸۸)، به بررسی «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان لرستان» پرداخته‌اند که بعد از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، این فرضیه که بین اعتماد موجود در جامعه و توسعه

فرهنگی و نیز بین روابط متقابل بین افراد و توسعه فرهنگی رابطه معنادار وجود دارد را تایید می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین اعتماد موجود درون جامعه و توسعه فرهنگی رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد ولی بین روابط متقابل افراد و توسعه فرهنگی رابطه مستقیم و نسبتاً مطلوبی وجود دارد.

خاکپور و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای» به بررسی ارتباط بین وضعیت سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی مناطق شهری پرداخته است. ایشان در این تحقیق این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که می‌توان با تقویت سرمایه اجتماعی به پایداری محله‌ای دست یافت، اما توجه به مفهوم ذهنی سرمایه اجتماعی شرط انکارناپذیر تحقق مفهوم عینی پایداری است، یعنی دستیابی به پایداری در توسعه محله‌ای، بدون توجه به پتانسیل‌های نهادی و انسانی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های فردی و گروهی امری غیرقابل اجراست.

نقدی و سوری (۱۳۸۸)، در مقاله‌ی «سرمایه اجتماعی و معمای رشد و توسعه» به مطالعه تئوری‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن با دیگر انواع سرمایه پرداخته‌اند. داده‌های این مطالعه با استفاده از تحلیل داده‌های ثانویه استخراج شده است. یافته‌های تحقیق در تعامل و تأثیر مثبت میزان و کیفیت سرمایه اجتماعی در بهبود سطح زندگی و سایر شاخص‌های توسعه با تأکید بر توسعه و رشد اقتصادی است.

برامکی یزدی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر توسعه (مطالعه موردی: سرمایه اجتماعی)» به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه پرداخته و تأکید دارد که مطالعاتی که اخیراً در مورد ارتباط سرمایه اجتماعی با توسعه انسانی انجام گرفته، نشان‌دهنده ارتباط قوی سرمایه اجتماعی با توسعه است؛ و نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی تأثیرات بسزایی بر آموزش، بهداشت و سطح استاندارد زندگی که اجزای توسعه انسانی هستند، دارد.

لی و همکاران (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان نقش توسعه فرهنگی در ارتقای شغلی به بررسی تأثیر توسعه فرهنگی در رفع موانع اشتغال در دو کشور چین و ایالت متحده پرداخته‌اند. در این بررسی توسعه در دو بعد نظری و عملی تحلیل شده و در بعد نظری آرای اندیشمندان متعددی بررسی و در بعد عملی موضوع توسعه فرهنگی در ۵۷ مقیاس اصلی بررسی شده‌اند. مقیاس‌ها نیز در زیر مقیاس‌های هشتگانه تحلیل عاملی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که محتوا و ساختار اعتبار هر کدام از زیر شاخص‌ها به شاخص اصلی بسیار

نزدیک است. در کل می‌توان گفت شاخص‌های توسعه فرهنگی به تنهایی می‌توانند درصد بالایی ۸۶٪ از تغییرات وضعیت اشتغال را تبیین کنند.

بانک جهانی (۱۹۹۲)، نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها گردد.

۱-۲. ادبیات نظری

توسعه، در فرهنگ آکسفورد توسعه به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است. گرچه این واژه از قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) برای توضیح برخی پدیده‌ها به کاررفته است. لیکن استفاده وسیع از این واژه، به بعد از جنگ جهانی دوم و دهه ۷۰ میلادی باز می‌گردد. برای نخستین بار در دسامبر ۱۹۶۷ میزگردی مرکب از کارشناسان ۲۴ کشور از طرف یونسکو برگزار شد. نتایج این مذاکرات تأکید بر نقش فعالیت‌های فرهنگی در توفیق توسعه اقتصادی بود (معمار، ۲۵: ۱۳۹۴). توسعه فرهنگی زیربنای توسعه در ابعاد مختلف است. به عبارتی موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با توسعه، در گرو توجه به فرهنگ، ویژگی‌ها و عناصر آن است. اگر بتوان باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، کنش‌ها و عقاید جامعه را به سوی توجه به عقلانیت علمی، تخصص گرایی، شایستگی، خلاقیت، نوآوری و واقع‌بینی سوق داد و در مقابل از مسائلی چون تقدیرگرایی، تعصب کورکورانه، پیش‌داوری، جهل و نادانی، بی‌برنامگی و غیره دوری کرد، می‌توان گفت زمینه را برای دستیابی به توسعه فراهم شده است.

به اعتقاد ازکیا، توسعه فرهنگی، فرآیندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورهای شخصیتی ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه است. توسعه با تغییر همراه است. تغییری که لازمه آن

اصلاح باورها و نگرش‌ها و دیدگاه‌ها است. لذا افراد تا خود را با تغییر و ویژگی‌های ناشی از آن وفق ندهند، هرگز قادر نخواهند بود در مسیر توسعه قدم بردارند. نکته‌ای که در بحث از فضای مفهومی توسعه فرهنگی اهمیت دارد، این است که در مواردی توسعه فرهنگی را با فراموش کردن و بریدن و بستن با سنت‌های گذشته یکسان می‌انگارند. درحالی‌که توسعه فرهنگی به معنای گسستن از سنت‌های گذشته نیست، بلکه بر مبنای گسترش سنت‌ها و تجارب گذشته انجام می‌گیرد نه بر اساس نفی آن‌ها (ازکیا، ۱۳۹۰: ۲۱).

اینگلههارت، معتقد است که فرهنگ، رهیافت مردم در تطابق با محیط است. او بر نقش اولویت‌های ارزشی در تعیین رفتار افراد جامعه تأکید دارد و بیان می‌کند که فرهنگ و اولویت‌های ارزشی مردم خمیرمایه‌های اصلی نوسازی و توسعه را تشکیل می‌دهند. او با تمرکز بر فرهنگ و تغییرات فرهنگی تلاش می‌کند که نوع جدیدی از نظریه نوسازی را ارائه کند که چارچوب تحلیلی جدیدی برای تبیین تحولات اجتماعی باشد. او بر اهمیت فرهنگ تأکید دارد و ادعا می‌کند که فرهنگ یک عنصر ملی ضروری است که به شکل‌گیری جامعه کمک می‌کند و سعی می‌کند سهم فرهنگ را در دگرگونی اجتماعی بیان کند. در این راستا، کم‌رنگ شدن اقتدار سنتی و حرکت به سمت ارزش‌های عقلایی را پایه و بنیان نوسازی و توسعه فرهنگی مطرح می‌کنند و اعلام می‌دارند در جریان گذار از سنت به مدرنیته، ارزش‌های سنتی و ابتدایی جای خود را به ارزش‌های مدرن و توسعه‌یافته خواهند داد (Inglehart, 1997: 30-75).

اینکلس و اسمیت انسان با ویژگی‌های مدرن را لازمه دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها «انسان نو» انسانی است با ویژگی‌های خاص و متفاوت از انسان سنتی است. از نظر آن‌ها ویژگی برجسته انسان نو در دو بعد است؛ نخست، بعد بیرونی و ملموس که به محیط پیرامون وی باز می‌گردد و شامل: شهری شدن، ارتباط توده‌ای، تعلیم و تربیت، صنعتی شدن، سیاسی شدن و کار در کارخانه می‌شود و دوم، بعد درونی و ذهنی که با وجه نظرها، ارزش‌ها و احساسات فرد در ارتباط است. بدیهی است که برای شناخت این نوع انسان، شاخص‌هایی وجود دارد که متمایزکننده او از انسان سنتی باشد. معیارهای معرف انسان نو عبارت‌اند از: آمادگی برای کسب تجربیات تازه و استعداد او برای نوآوری و تغییر، ایمان به علم و فناوری، عقلانیت، نظم‌گرایی و ... (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۱۲).

لرنر، از نظریه پردازان حوزه نوسازی روانی و فردگرا، بر این عقیده است که جامعه نوین، یک جامعه با میزان مشارکت بالا است. او تأکید دارد لازمه مدرن شدن شکل‌گیری شرایط روانی و ذهنی خاصی در ذهنیت افراد جامعه است. متغیرها و عناصری چون: آموزش و تحصیلات، شهرنشینی، به کارگیری رسانه‌های جمعی و مشارکت در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی. لرنر جامعه مشارکتی را دارای ویژگی‌هایی مانند رفتن به مدرسه، روزنامه خواندن، رأی دادن، اظهار عقیده و ... می‌داند که در جوامع توسعه یافته غرب مشهود است (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

راجرز می‌گوید، فرهنگ‌های متفاوت با توجه به ارزش‌های اجتماعی‌شان از هم تفکیک می‌شوند. او فرهنگ دهقانی را از فرهنگ مدرن متمایز می‌سازد و تأکید دارد که در برخی فرهنگ‌ها، زمینه برای نوآوری نسبت به فرهنگ‌های دیگر فراهم تر است. بر این اساس، تغییر در وهله نخست، تغییر در اندیشه است. از این رو، تغییر مستلزم اشاعه اندیشه و نظری نو و پذیرش آن از سوی فرد است.

هیگن، بر این اعتقاد است که تغییر اجتماعی بدون تغییر در شخصیت افراد جامعه ممکن نیست و به همین منظور تأکید دارد برای دستیابی به توسعه لازم است که شخصیت نوگرا و خلاق به جای شخصیت خودکامه و سنتی قرار گیرد (مولانا، ۱۳۸۷: ۲۵). او با تأکید بر اصول روان‌شناختی، بیان می‌دارد که شیوه‌های آغازین تربیت اجتماعی فرد، تأثیر قاطعی بر شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها، عادات، خلق و خوها و رفتار آینده او در جامعه دارد و می‌تواند شخصیتی را فراهم سازد که خواهان توسعه و نوآوری و یا برعکس مانع آن باشد.

مک کله‌لند، نظریه خود در مورد تغییر و دگرگونی اجتماعی را با تأکید بر عناصر فرهنگی و ذهنی مطرح کرد. او در بحث از توسعه و تغییر بر این عقیده است که هیچ‌گاه فرهنگ نمی‌تواند منبعث از محیط باشد. بلکه این روحیه و ویژگی‌های فرهنگی جامعه است که تعیین‌کننده و مهم است. او وجود روحیه کارآفرینی و خلاقیت را عامل اصلی پیشرفت می‌داند و بر این عقیده است که جوامع پیشرفته با تربیت و پرورش انگیزه موفقیت و کارآفرینی، برتری‌جویی و ریسک‌پذیری در سطح بالاتر، کارآفرینان قوی‌تر و خلاق‌تری پرورش خواهد داد که بانی توسعه و پیشرفت باشد. با تزریق نیاز به دستیابی به موفقیت به جامعه از طریق زیرساخت‌های ارتباطی، الگوهای اجتماعی شدن و آموزش می‌توان برای توسعه انگیزه لازم به وجود آورد.

برای دستیابی به توسعه فرهنگی جامعه‌شناسان، روانشناسان و دیگر اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت با استناد به دیدگاه نظریه‌پردازان حوزه توسعه، بر بعد درونی و ذهنی انسان مدرن که با وجه نظرها، ارزش‌ها و احساسات فرد در ارتباط است، تأکید دارند. به نظر این اندیشمندان مؤلفه‌های توسعه فرهنگی طیف وسیعی از عناصر روانی، اجتماعی و شخصیتی را در برمی‌گیرد که زمینه‌ای مناسب برای دست یافتن به توسعه به حساب می‌آیند.

سرمایه اجتماعی^۱: واژه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان از پرکاربردترین اصطلاحات علوم اجتماعی و از مفاهیم مهم در حوزه مطالعات مرتبط با توسعه دانست. این واژه را نخستین بار «هانی فان»^۲ در سال ۱۹۲۰، به کار گرفت. او این مفهوم را شامل دارایی‌هایی می‌داند که در زندگی روزانه افراد خیلی نقش دارند، مانند حسن تفاهم^۳، رفاقت و دوستی و احساس همدردی^۴ که در بین افراد و خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند، شکل می‌گیرد (فلدمن و آسف، ۱۹۹۹). پس از آن «جین جاکوبز»^۵ در سال ۱۹۶۱ در اثر کلاسیک خود با عنوان «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی» مفهوم سرمایه اجتماعی را به کاربرد. بعدها پیر بوردیو^۶ (۱۹۷۰)، جامعه‌شناس فرانسوی، گلن لوری^۸ (۱۹۷۷) اقتصاددان، کلمن^۹، پاتنام^{۱۰}، فوکویاما، دوتوکویل و... واژه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مورد توجه و مذاقه علمی بیشتری قرار داده و گسترش داده‌اند.

در نظر هانی فان؛ سرمایه اجتماعی آن چیزی یا آن پدیده‌ای است که در روابط میان انسان‌ها نهفته است و سبب پدید آمدن حسن نیت میان آن‌ها می‌شود؛ همدلی آن‌ها را نسبت به یکدیگر برمی‌انگیزد؛ آن‌ها را پیرو جمع می‌کند و بدین سان زمینه معاشرت بیشتر و روابط پایدار میان آنان را فراهم می‌آورد (اجتهادی، ۱۳۸۶: ۴). سرمایه اجتماعی

1. Social capital
2. Hanifan
3. Goodwill
4. sympathy
5. Feldman&Assaf
6. Jacobs
7. Pierre Bourdieu
8. Glenn Loury
9. coleman
10. Putnam

به‌طور ذاتی جنبه‌ای از شبکه اجتماعی و هنجارهاست که توانایی رسیدن به اهداف فردی و جمعی را تسهیل می‌کند (Saegert & Winkel, 2004:220). سرمایه اجتماعی عنصر مطلوبی است که در نتیجه آن همکاری‌های افراد با سهولت بیشتری انجام می‌پذیرد، هر چه میزان سرمایه اجتماعی در بین اعضاء آن بیشتر باشد، گروه در دستیابی به اهداف خود با هزینه کمتری روبرو خواهد بود.

از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰). او معتقد است که سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام دادن کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد (قانع‌ی راد و حسینی، ۱۳۸۴: ۵). به اعتقاد او سرمایه اجتماعی باعث افزایش مشارکت و همکاری اعضای گروه در امور مختلف گردیده و هزینه‌های مبادلات و ارتباطات را کاهش می‌دهد. فوکویاما، بر این باور است که شبکه‌های روابط متقابل و انسجام اجتماعی، پیش‌شرط نوسازی اجتماعی-اقتصادی است و نه ثمره آن. در واقع، او با ایده‌ی علی بودن سرمایه اجتماعی برای هر نوع توسعه‌ای موافق است (Fukuyama, 2001:10).

پاتنام، برای نخستین بار مفهوم سرمایه اجتماعی را در کتاب خود با عنوان (دموکراسی و سنت‌های مدنی) به کار برد. او یکی از فراگیرترین نظریه‌های سرمایه اجتماعی را ارائه داد و در تحلیل خود به نقش سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه توجه داشته است. پاتنام در تعریف خود از سرمایه اجتماعی می‌نویسد: منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌ها است که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشند (Putnam, 1995:67). به عبارتی سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند، این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: اول شبکه‌ها اجتماعی، شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای- اعم از مدرن و سنتی، اقتدارگرا و دموکراتیک، فنودالی یا سرمایه‌داری. دوم هنجارهای معامله متقابل و مجازات مربوط به تخلف از آن. هنجارهای معامله متقابل در گروه اجتماعی، هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آن‌ها تقویت

اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. او هنجارهای معامله را از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند. گروه‌ها و جوامعی که این هنجارها بر آنها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند، به شکل مؤثرتری بر مشکلات عمل جمعی فائق می‌آیند. سوم اعتماد اجتماعی؛ پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز اعتماد را ایجاد می‌کند. در مجموع پاتنام منافع سرمایه اجتماعی را اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که خود تقویت‌کننده و خود افزون هستند. از نظر او ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌گردد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹-۳۰۱). با گسترش سرمایه اجتماعی من به ما تبدیل می‌شود که این خود زمینه را برای همکاری و اعتماد بیشتر افراد و مشارکت در امور مختلف جامعه فراهم می‌کند و منافع عمومی را افزایش می‌دهد.

بورديو، از میان نظریه پردازان معاصر، اولین تحلیل سامانمند از سرمایه اجتماعی انجام داده است. بورديو سرمایه اجتماعی را، مجموعه‌ای از منابع بالفعل یا بالقوه می‌داند که با مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم‌و بیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل و دوجانبه، پیوند یافته است (Bouedieu, 1986:248-249). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی برای بورديو آن بستر فرهنگی ناشی از ساخت اجتماعی است که در ارتباط مستقیم با عادات افراد و میدان فرهنگی ناشی از کنش‌های اجتماعی، سازمان یافته و صورت‌بندی می‌شود (Nasrolahi & Jalilvand, 2014:261). سرمایه از نظر او سه شکل بنیادی دارد: «سرمایه اقتصادی» که ملموس است، «سرمایه فرهنگی» که در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی بدل می‌شود و به شکل کیفیات آموزشی نهادینه می‌گردد و «سرمایه اجتماعی» که از الزامات اجتماعی (پیوندها) ساخته شده است و تحت برخی شرایط به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌شود. او به این نکته توجه می‌کند که ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیاء و نمادها بنیان نهاده‌اند. فرد با عضویت در گروه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده‌ی بین افراد شریک می‌شود.

کلمن، برای سرمایه اجتماعی اهمیت شایانی قائل است. به طوری که می‌گوید: از طریق منابع سرمایه اجتماعی هزینه‌های دستیابی به اهداف خاصی تقلیل می‌یابد و دستیابی به هدف‌ها امکان‌پذیر می‌گردد که در صورت عدم وجود آن هرگز امکان‌پذیر نبود یا صرفاً با هزینه‌های بسیار بالا ممکن می‌گردید (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹۲). به اعتقاد او سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۳). او سازمان اجتماعی را پدیدآورنده سرمایه اجتماعی می‌داند. به زعم او سرمایه اجتماعی چیزی واحد نیست، بلکه انواع گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: نخست، شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و دوم کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی به هدف‌های معین کاهش یابد؛ هدف‌هایی که در نبود سرمایه اجتماعی دستیابی به آن‌ها تنها با صرف هزینه‌های زیاد امکان‌پذیر می‌شود. کلمن بر سودمندی سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی برای همکاری، روابط دوجانبه و توسعه اجتماعی تأکید می‌ورزد.

کلمن اشکال عمده سرمایه اجتماعی را تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، روابط اقتدار، سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر و سازمان تعهدی می‌داند. به اعتقاد او هرچه افراد به یکدیگر بیشتر کمک کنند، مقدار سرمایه اجتماعی که ایجاد می‌شود بیشتر خواهد بود. هنگامی که افراد کمتر به یکدیگر نیاز داشته باشند، سرمایه اجتماعی کمتری ایجاد خواهد شد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹۱).

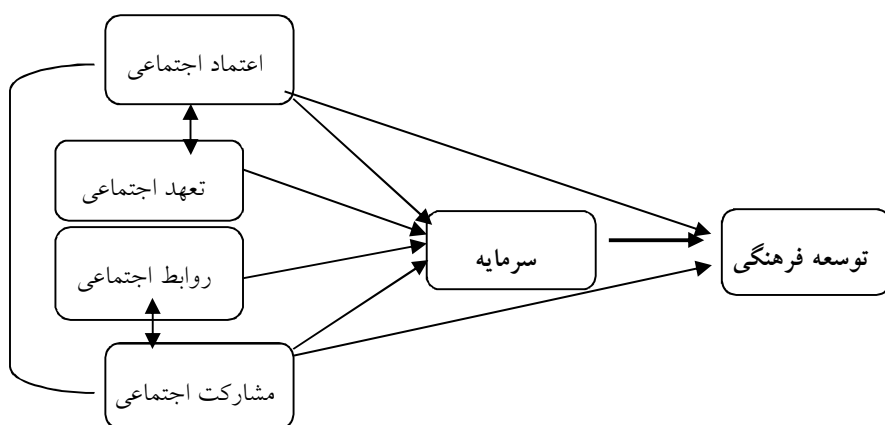
سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که اعضاء یک جامعه به هم اعتماد کنند و به تشکیل گروه‌ها و مجامع داوطلبانه پردازند. توانایی کار جمعی و معاشرت‌پذیری به معنی پذیرش صداقت، اتکاپذیری، قابلیت اعتماد کردن، اطمینان و حسن وظیفه است. سرمایه اجتماعی حلقه اتصال‌دهنده افراد در قالب نهادها، شبکه‌ها و تشکل‌های داوطلبانه است.

جدول (۱) خلاصه مبانی نظری متغیرهای مستقل و وابسته در تبیین موضوع مورد مطالعه

متغیر	مؤلفه	نظریه یا نظریه پرداز
توسعه فرهنگی	هویت فرهنگی	لرنر، مک کله لند، هیگن، اینکلس و اسمیت، دورکیم، راجرز، اینگلههارت، پارسونز،
	دانش فرهنگی	
	مشارکت فرهنگی	
	ارزش‌های فرهنگی	
	باورهای فرهنگی	
سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	بورديو، پاتنام، فوکویاما، کلمن
	روابط اجتماعی	
	اعتماد اجتماعی	
	تعهد اجتماعی	

اندیشمندان زیادی در خصوص سرمایه اجتماعی و توسعه و ابعاد آن قلم سرایی کرده و به ارائه دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند؛ اما آنچه مشاهده می‌شود این است که هر کدام از این دیدگاه‌ها از زاویه خاصی به تبیین فرایند توسعه و ارتباط آن با دیگر متغیرها توجه کرده‌اند. ۱- برخی درصدد بودند تا مفهوم توسعه را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده‌اند. ۲- برخی تلاش کرده‌اند تا رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار/ شهری را بررسی کنند. ۳- تعدادی نیز سطح توسعه فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به ادبیات نظری و نیز مرور پژوهش‌های انجام گرفته، پژوهش پیش‌رو، درصدد است تا با مبنا قرار دادن نظریه‌های سرمایه اجتماعی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی (در قالب دیدگاه نوسازی) بپردازد. لذا با توجه به ادبیات نظری تحقیق ساختار منطقی چارچوب نظری پژوهش حاضر به صورت شکل (۱) فرموله شده است.

مدل نظری تحقیق



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

فرضیات تحقیق

- فرضیه اصلی: بین سرمایه اجتماعی شهروندان و توسعه فرهنگی آنان رابطه وجود دارد.
- فرضیه فرعی: بین مشارکت اجتماعی شهروندان و توسعه فرهنگی آنان رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی شهروندان و توسعه فرهنگی آنان رابطه وجود دارد.
- بین روابط اجتماعی شهروندان و توسعه فرهنگی آنان رابطه وجود دارد.
- بین تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان و توسعه فرهنگی آنان رابطه وجود دارد.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی و فن مدل‌سازی معادله ساختاری به انجام رسیده است داده‌های موردنیاز برای آزمون فرضیه‌ها و مدل نظری پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده و برای تدوین مبانی نظری تحقیق، چهارچوب نظری، ادبیات و پیشینه تحقیق نیز از روش اسنادی استفاده به عمل آمده است. لازم به ذکر است که جامعه آماری در این تحقیق شامل تمامی افراد ۱۸ تا ۶۰ ساله ساکن در شهر ایلام است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر ایلام برابر با ۱۹۴۰۳۰ نفر بوده است؛ که در ۱۴ ناحیه تقسیم شده‌اند.

جدول (۲) توزیع جمعیت در مناطق شهری ایلام

منطقه شهر ی				سسه				دو		یک				
چهار				سه				دو		یک				
ناحیه شهری	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۱	۲	۳	۴
جمعیت	۱۴۱	۱۵۷	۱۹۹	۱۵۳	۲۱۷	۲۳۶	۲۱۷	۲۳۶	۱۵۳	۱۹۹	۱۵۷	۱۴۱	۱۵۷	۱۹۹
جمعیت ۱۸ ساله و بیشتر	۶۴	۱۶	۸۵	۲۸	۳۱	۷۲	۳۱	۷۲	۲۸	۸۵	۱۶	۶۴	۱۶	۸۵
تعداد نمونه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

نمونه آماری نیز تعداد ۳۸۵ نفر از جامعه آماری فوق‌الذکر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده است. شهر ایلام دارای ۴ منطقه و ۱۴ ناحیه است که هر کدام از نظر حجم جمعیت متفاوت می‌باشند. لذا هر ناحیه به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد و در مرحله دوم، از بین نواحی هر منطقه، ناحیه‌ای که دارای بیشترین میزان جمعیت بود (از منطقه یک ناحیه ۳، از منطقه دو ناحیه ۱، از منطقه سه ناحیه ۲ و از منطقه چهار ناحیه ۲) انتخاب گردید. در مرحله سوم، هر ناحیه را به چند محله یا بلوک تقسیم و یک محله به‌طور تصادفی ساده انتخاب شد. سپس هر یک از این محله‌ها به تناسب خیابان‌های فرعی و اصلی بلوک‌بندی شده و در نهایت از بین بلوک‌های هر محله دو بلوک انتخاب شد که در هر یک از بلوک‌ها بعد از مشخص کردن خیابان‌ها و کوچه‌های اصلی جهت دستیابی به نمونه‌های معرف، نمونه‌گیری با مراجعه به درب منزل واقع در کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی انجام گرفت. باید اشاره کرد که داده‌ها با نرم‌افزارهای spss و amos تجزیه و تحلیل شد. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است و ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد و سنجش مدل نظری پژوهش نیز با استفاده از نرم‌افزار amos صورت پذیرفته است.

۳- تعریف مفاهیم و متغیرهای پژوهش

توسعه فرهنگی: فرآیندی است که باید درون جامعه به وجود آید و به کار گرفته شود. به عبارتی توسعه فرهنگی، «فرآیندی است که طی آن با تغییراتی در حوزه ادراکی

- شناختی - ارزشی و گرایش‌ها، باورها و قابلیت‌ها رفتار واکنش خاصی که مناسب توسعه است در افراد جامعه به وجود آید» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۴۸). در این مطالعه تلاش شده تا مفهوم توسعه فرهنگی را بر اساس شاخص‌های: هویت فرهنگی، ارزش‌ها، باورها، دانش و مشارکت فرهنگی موردسنجش قرار گیرد.

سرمایه اجتماعی: بوردیو سرمایه اجتماعی را، مجموعه‌ای از منابع بالفعل یا بالقوه می‌داند که با مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده از آشنایی و شناخت متقابل و دوجانبه، پیوندیافته است که با مؤلفه‌های؛ مشارکت، تعهد، روابط و اعتماد اجتماعی سنجیده شد. (Bourdieu, 1986:248-249)

اعتماد اجتماعی: به‌طور کلی، اعتماد به معنای اطمینان داشتن به دیگر افراد جامعه در حوزه‌های مختلف رفتاری، گفتاری و نظری است؛ که نتیجه آن برای طرفین رضایت‌بخش و مقام‌شکل‌گیری ارتباط و تداوم آن است. در تعریفی دیگر، جانسون^۱ معتقد است اعتماد یک خصیصه شخصی ثابت و بلا تغییر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش، حمایت و تأیید را افزایش دهد (Johnson, 1993:66).

مشارکت اجتماعی: به نظر گائوتری، مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (Gaotri, 1986:37).

تعهد اجتماعی: بیرهوف^۲ روانشناس اجتماعی، تعهد اجتماعی را به‌عنوان یک ویژگی عالی در افراد می‌داند که در روابط با دیگران و در موقعیت‌های گوناگون و در عمل خود را نشان می‌دهد. در مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی کنترل درونی بر فرد حاکم است که برای برقراری روابط مبتنی بر همدلی، توجه به حقوق دیگران و به‌طور کلی نظم اجتماعی اهمیت دارد (خوشبین، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

1. Johnson

2. Bierhoff, hans Werner

۴- روایی^۱ و پایایی^۲

تمامی متغیرهای تحقیق طی یک مطالعه‌ی مقدماتی بر روی ۳۵ نفر از پاسخگویان، از نظر روایی به وسیله مدل سازی و با استفاده از نرم افزار amos و از نظر پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استانداردسازی شده‌اند. نتایج به دست آمده به شرح جدول ذیل است.

نتایج برازش کلی مدل					نتایج برازش جزئی مدل					
RMSER				Cmin/df	n	p	Stimate	شاخص	-	متغیر اصلی
۰/۰۷				۷/۵۹۳	۳۵	۰/۰۱	۰/۷۶	هویت فرهنگی	←	توسعه فرهنگی
					۳۵	۰/۰۲	۰/۸۳	دانش فرهنگی	←	توسعه فرهنگی
					۳۵	۰/۰۰	۰/۷۵	مشارکت فرهنگی	←	توسعه فرهنگی
					۳۵	۰/۰۲	۰/۷۶	ارزش فرهنگی	←	توسعه فرهنگی
					۳۵	۰/۰۴	۰/۷۲	باورهای فرهنگی	←	توسعه فرهنگی
۰/۰۱				۷/۰۲	۳۵	۰/۰۱	۰/۵۶	مشارکت اجتماعی	←	سرمایه اجتماعی
					۳۵	۰/۰۰	۰/۷۱	روابط اجتماعی	←	سرمایه اجتماعی
					۳۵	۰/۰۲	۰/۷۸	تعهد اجتماعی	←	سرمایه اجتماعی
					۳۵	۰/۰۳	۰/۷۳	اعتماد اجتماعی	←	سرمایه اجتماعی

جدول (۳) ضریب آلفای کرونباخ در متغیرهای پژوهش

نتایج به دست آمده در قسمت برازش جزئی مدل بیانگر آن است که تمامی بارهای عاملی متغیرهای پنهان بر روی کل شاخص‌ها (متغیرهای آشکار) خود، معنادار است. ضرایب آلفای به دست آمده نیز نشان از پایایی ابزارهای مورد استفاده دارد.

1. Validity
2. Reliability

۵. یافته‌های پژوهش

توصیف نمونه آماری: نتایج تحقیق نشان داد که از تعداد ۳۸۵ نفر پاسخگو تعداد ۵۶/۹ درصد نمونه (برابر با ۲۱۹ نفر) مرد و ۴۳/۱ درصد (برابر با ۱۶۶ نفر) را زنان تشکیل داده‌اند. از بین پاسخگویان تعداد ۸۸ نفر مجرد و مابقی ۷۷/۱ درصد آن‌ها متأهل بوده‌اند. در این مطالعه بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به گروه سنی ۲۷ سال که برابر با ۱۵ نفر هست. پایین‌ترین فرد پاسخگو دارای ۱۸ سال و بالاترین فرد پاسخگو نیز ۶۰ سال دارد. میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۳۳/۴ هست. از نظر تحصیلات ۱۶/۹ درصد پاسخگویان دارای سواد در سطح راهنمایی و متوسطه، ۲۸/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۲۱/۳ درصد فوق‌دیپلم، ۱۹/۲ درصد کارشناسی و بیش از ۱۴/۳ درصد هم دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و یا بالاتر می‌باشند. در این بخش بیشترین نما مربوط به افراد دیپلمه است. با توجه به فراوانی تجمعی ۴۵/۴ درصد نمونه آماری دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر و ۳۳/۵ درصد آن‌ها نیز از تحصیلات عالی برخوردارند. ۱۳ درصد پاسخگویان بیکار و سایر آن‌ها به گونه‌ای شاغل و یا دارای درآمدند، ۶/۸ درصد آن‌ها دانشجوی، ۱۹/۲ درصد کارگر، ۲۴/۴ درصد خانه‌دار، ۲۰ درصد کارمند و ۱۵/۱ درصد نیز نوع شغل خود را بیان نکرده‌اند. افراد شاغل در وضعیت خانه‌داری، بیشترین نما را به خود اختصاص داده‌اند؛ که این بیانگر اشتغال پایین زنان در استان ایلام است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا میزان همبستگی و سپس اثر ابعاد سرمایه اجتماعی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (به صورت سازه‌ای پنهان با احتساب خطا) ارائه می‌شود. شدت همبستگی بین (اعتماد، مشارکت، تعهد و روابط اجتماعی) و توسعه فرهنگی به ترتیب ۰/۴۶، ۰/۵۱، ۰/۱۹ و ۰/۳۴ صدم است. لازم به توضیح است که در آزمون پیرسون متغیرهای مورد بررسی فاقد خطای اندازه‌گیری فرض شده‌اند این در حالی است که این متغیرها، متغیر مکنون می‌باشند. لذا از نظر روش‌شناسی این انتظار هست که در حالتی که خطاهای اندازه‌گیری متغیرها نیز محاسبه شود، نتایج حاصله از برآوردها و آزمون فرضیات، به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

جدول (۴) ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

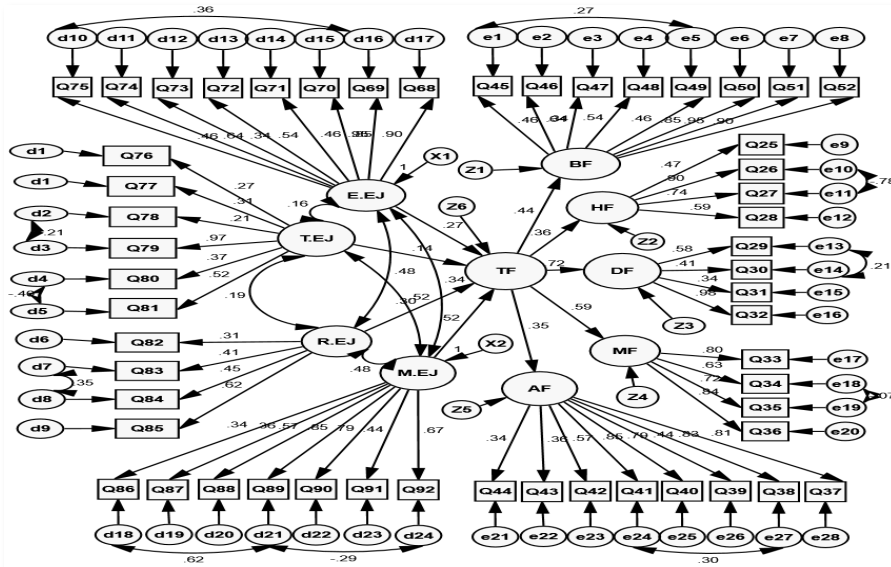
روابط اجتماعی	تعهد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی	توسعه فرهنگی
۰/۳۴۱	۰/۱۹۷	۰/۵۱۱	۰/۴۶۱	سطح معناداری (Sig)	
۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۲	تعداد (N)	
۳۸۵	۳۸۵	۳۸۵	۳۸۵		

جدول ۴، ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، تعهد و روابط اجتماعی) و توسعه فرهنگی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشترین مقدار ضریب همبستگی مربوط به دو متغیر مشارکت اجتماعی و توسعه فرهنگی عدد ۰/۵۱۱ با ضریب معناداری ۰/۰۱ است و این ضریب برای اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و توسعه فرهنگی برابر با ۰/۴۶۱ با ضریب معناداری ۰/۰۲ است که این روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. همچنین، ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل روابط اجتماعی، تعهد اجتماعی و متغیر وابسته توسعه فرهنگی به ترتیب برابر با ۰/۳۴۱ و ۰/۱۹۷ با ضریب معناداری ۰/۰۳ و ۰/۰۴ است که هر دو در سطح اطمینان ۹۵ درصد معناداری می‌باشند. لذا می‌توان اظهار کرد که هرچه سرمایه اجتماعی در بطن جامعه بیشتر و عمومیت یافته‌تر باشد، افراد از نظر فرهنگی توسعه یافته‌تر هستند و برعکس. این مهم در دو شاخص مهم سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت و اعتماد که دارای بالاترین ضریب همبستگی با توسعه فرهنگی هستند، بیشتر نمایان است.

۶- مدل معادله ساختاری

مدل‌های معادله‌ی ساختاری به‌طور معمول ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری‌اند. بر مبنای مدل‌های اندازه‌گیری، محقق تعریف می‌کنند که کدام متغیرهای مشاهده شده، اندازه‌گیرنده‌ی کدام متغیرهای پنهان هستند و بر پایه‌ی مدل‌های ساختاری مشخص می‌کند که کدام متغیرهای مستقل دارای تأثیر بر کدام متغیرهای وابسته‌اند و یا اینکه کدام متغیرها با یکدیگر همبسته‌اند. به این ترتیب با بهره‌گیری از این مدل‌ها می‌توان به‌طور هم‌زمان به ارزیابی کیفیت سنجش متغیرها و

مقبولیت اثرات مستقیم و غیرمستقیم و همچنین تعامل‌های تعریف شده میان متغیرها پرداخت (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵).



شکل ۲: مدل معادله ساختاری تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه فرهنگی (منبع: عزتی و همکاران، ۱۳۹۷).

جدول ۵: برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد مدل پژوهش

پارامترهای مدل ساختاری	برآورد غیر استاندارد	برآورد استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری (sig)
توسعه فرهنگی → اعتماد اجتماعی	۰/۶۷	۰/۴۲	۰/۰۸	۲/۳۳	۰/۰۰۳
توسعه فرهنگی → مشارکت اجتماعی	۲/۷۰	۰/۴۶	۰/۳۳	۸/۲۱	۰/۰۱۱
توسعه فرهنگی → روابط اجتماعی	۰/۸۰	۰/۳۹	۰/۳۱	۲/۵۷	۰/۰۱۶
توسعه فرهنگی → تعهد اجتماعی	۰/۱۴	۰/۳۸	۰/۱۸	۱/۹۸	۰/۰۰۱

۰/۰۰۲	۲/۶۹	۰/۲۶	۰/۴۳	۰/۵۴	مشارکت اجتماعی	→	اعتماد اجتماعی
۰/۰۴۳	۵/۲۲	۰/۰۴۲	۰/۲۵	۰/۳۲	روابط اجتماعی	→	اعتماد اجتماعی
۰/۰۱۱	۲/۵۶	۰/۰۷۷	۰/۲۶	۰/۴۱	تعهد اجتماعی	→	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۷۴	۰/۰۵۳	۰/۱۵	۰/۵۸	روابط اجتماعی	→	مشارکت اجتماعی
۰/۰۲۷	۲/۷۹	۰/۰۷۶	۰/۴۳	۰/۳۹	تعهد اجتماعی	→	مشارکت اجتماعی
۰/۰۳۷	۴/۲۷	۰/۰۸۱	۰/۵۴	۰/۶۷	تعهد اجتماعی	→	روابط اجتماعی

در جدول ۵ نتایج برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد مدل پژوهش را نشان می‌دهد. چنانچه مقدار sig کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، ارتباط مزبور معنادار است. نتایج نشان می‌دهد که کلیه‌ی ارتباط‌های موجود در مدل بین متغیرهای پنهان، معنادار هستند.

جدول ۶: شاخص‌های برازش کلیت مدل پژوهش

شاخص‌ها	مقدار
(GFI) شاخص نیکویی برازش	۰/۸۹
(AGFI) شاخص نیکویی برازش	۰/۸۱
(RMR) ریشه دوم میانگین مربعات	۰/۲۹
(CMIN/DF) کای اسکوتر به‌جای	۲/۴۹
(RMSEA) ریشه دوم میانگین	۰/۰۷
(PCFI) شاخص برازش	۰/۸۱
(CFI) شاخص برازش تطبیقی	۰/۸۷
(TLI) شاخص تورک‌لوس	۰/۷۹
هاتر	۷۸۳
(P) معناداری	۰/۰۰۳

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل پژوهش جدول ۶، بیانگر این است که این مدل توسط داده‌های گردآوری شده حمایت می‌شوند. نسبت کای اسکوتر مدل به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو کمتر از (۵) و برابر ۲/۴۹ است که مقداری مناسب و قابل قبول است. همچنین معیار (RMR) ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده بین مقدار صفر تا یک تغییر می‌کند و از شاخص‌های بدی برازش است، دامنه آن برای مدل عاملی تأیید شده کمتر از ۰/۰۵ و مطلوب است. شاخص برازش تطبیقی برابر با (۰/۸۷) و شاخص برازش تطبیقی مقتصد

بالاتر از (۵) و برابر با (۰/۸۱) است. این شاخص برازش در واقع تعداد پارامترهایی را به حساب می‌آورد که برای رسیدن به مقدار خاصی از کای اسکوتر مورد نیاز است. این شاخص‌ها از شاخص‌های اقتصاد مدل است و به تعداد پارامترهای برآورد شده‌ای اشاره دارد که برای دستیابی به سطح خاصی از برازش مورد نیاز است، همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود کلیه شاخص‌های تطبیقی مدل مقادیر نزدیک به یک را نشان می‌دهند که به معنای توان مدل از فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده برای آن‌ها است. از آنجا که معیارهای $AGFI=0/92$ ، $TLI=0/86$ نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیار $RMSEA=0/07$ ، حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه فرهنگی انجام گرفته و بدین منظور متغیرهایی چون (مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، اعتماد و تعهد اجتماعی) که در ایجاد این سرمایه نقش دارند در رابطه با توسعه فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج زیر حاصل شده است.

یافته‌ها پژوهش مبتنی بر اثر تعهد اجتماعی تعمیم یافته بر توسعه فرهنگی است؛ یعنی هر چه سطح تعهد اجتماعی عمومیت بیشتری یافته باشد، فرد ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی موافق با توسعه را از خود نشان خواهد داد. به عبارتی می‌توان گفت احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی از ویژگی‌های کلیدی و اثرگذار در رفتار و کنش‌های شهروندان در مسیر توسعه محسوب می‌شود. چراکه مسئولیت‌پذیری مستلزم اعتماد به دیگر افراد، نهادها، برقراری روابط اجتماعی مناسب و مشارکت اجتماعی در امور جامعه است. لذا افراد دارای تعهد و احساس مسئولیت به مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها و رفتارها مسلح خواهد شد که او را به همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر در راستای رفتارهای نظم‌گستر، مسئولانه و عام‌گرایان ترغیب خواهد کرد. چنانچه فرد در محیط اجتماعی برخلاف ارزش‌ها و رفتارها و هنجارهای مقبول عمل کند مورد سرزنش و ترد دیگران قرار خواهد گرفت. نتایج مطالعه همسو با مبانی نظری سرمایه اجتماعی است. چراکه با عمومیت یافتن تعهد اجتماعی، جامعه از نظم برخوردار می‌شود و

کنش‌های افراد در برخورد با محیط پیرامون قابلیت پیش‌بینی بیشتری خواهد یافت. مشارکت اجتماعی بر توسعه فرهنگی اثر دارد. لرنر در این باره که چگونه جوامع با نوگرایی ارتباط برقرار می‌کنند، عقیده دارد که نوگرایی نوعی «سبک مشارکتی زندگی» خوانده می‌شود و جامعه نوین یک جامعه مشارکتی است. مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که شهروندان از حالت زندگی فردی بیرون آمده و نسبت به محیط اطراف خویش احساس مسئولیت و تعهد داشته و در اداره امور مختلف جامعه شراکت داشته باشد. مشارکت اجتماعی برنامه‌های مرتبط با توسعه فرهنگی را مشروعیت بخشیده و آن‌ها را نهادینه می‌سازد. لذا هر چه رفتار مشارکت‌طلبانه شهروندان در محیط جامعه نهادینه‌تر شود این ویژگی به‌عنوان یک ارزش فرهنگی موافق توسعه فرهنگی در بطن جامعه بیشتر شکوفا خواهد شد. به عبارتی می‌توان گفت ضعف روحیه مشارکت‌جویان افراد در گروه‌ها، احزاب، نهادها و سازمان‌ها و دیگر امور جامعه یکی از عوامل مؤثر بر عدم توسعه فرهنگی در جامعه مورد مطالعه است و این یافته با مبانی نظری پژوهش مطابقت دارد.

از دیگر فرضیه‌هایی این مطالعه که به آزمون گذاشته شد، تأثیر روابط اجتماعی بر توسعه فرهنگی است. وزن رگرسیونی این متغیر برابر با ۳۹ صدم هست. بدین معنا که افزایش روابط و پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان منجر به ایجاد همکاری و تعامل بیشتر در جامعه، افزایش اعتماد و مشارکت اجتماعی و همچنین ایجاد شبکه‌های اجتماعی بزرگ‌تر می‌شود. با توجه به مبانی نظری هر چه در یک جامعه بین عناصر مختلف آن، روابط و پیوندهای قوی‌تری ایجاد شود، همکاری، مشارکت و اعتماد در بین ساختارهای مختلف جامعه افزایش خواهد یافت که این خود می‌تواند زمینه لازم برای توسعه فراهم آورد. چراکه از الزامات دستیابی به توسعه همکاری و تعامل هرچه بیشتر بخش‌های مختلف جامعه است.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته بر توسعه فرهنگی اثرگذار است. بدین معنا که هر چه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان عمومیت بیشتری داشته باشد سطح توسعه فرهنگی به نسبت آن افزایش می‌یابد. یکی از عناصر اصلی زندگی اجتماعی که شرایط لازم جهت همکاری و تعاملات افراد در گروه‌ها و جامعه را مهیا می‌سازد، اعتماد اجتماعی است. این بیانگر اهمیت آن در کنش‌های اجتماعی و روابط جمعی است. اعتماد مردم در سطوح مختلف زمینه همکاری و تعامل هر چه بیشتر

شهروندان در امور جامعه را گسترش می‌دهد و در نقطه مقابل آن ضعف اعتماد اجتماعی، مانع از تداوم و تقویت رابطه و کاهش همکاری شهروندان و تعامل آن‌ها جهت همکاری در اداره جامعه می‌شود و این شرایط باعث می‌شود فرد‌گرایی و منفعت شخصی رواج یابد و فرد فقط امور مربوط به خود را مدنظر قرار دهد و خود را در محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند دور ببیند. لذا هیچ‌گونه احساس مسئولیت، تعهد و مشارکتی در ارتباط با محیط پیرامون از خود نشان نخواهد داد.

اعتماد اجتماعی، افراد را به داشتن ارتباط با دیگران تشویق می‌کند. اعتماد مردم به همدیگر در قبال وظیفه‌شناسی آن‌ها منجر به شکل‌گیری همکاری و مشارکت هر چه بیشتر آن‌ها در حل مشکلات جامعه خواهد شد. چنانچه اعتماد اجتماعی از سطح فردی به سطح اجتماعی گسترش یابد. این مهم به یک سرمایه باارزش مبدل می‌شود که افراد و جامعه را در دستیابی به اهدافشان هدایت خواهد کرد.

در خصوص تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه فرهنگی، آزمون فرضیه این پژوهش نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد و وزن رگرسیونی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه فرهنگی برابر ۴۷ صدم است. در تحقق توسعه فرهنگی، وجود سرمایه اجتماعی با شاخص‌هایی چون مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، تعهد اجتماعی و اعتماد اجتماعی می‌تواند نقش اساسی داشته باشد؛ اما از آنجایی که جامعه مورد مطالعه به دلیل غالب بودن فرهنگ سنتی، قبیله‌ای و قوم‌مدارانه و قرار گرفتن در یک برزخ اجتماعی، از نظر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی دچار ضعف و نقصان است، چنین وضعیتی باعث ضعف همکاری و مشارکت، اعتماد، تعهد و روابط چندجانبه در ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است که نهایتاً منجر به ضعف توسعه در ابعاد گوناگون آن بخصوص توسعه فرهنگی شده است.

۸- پیشنهادهای تحقیق

با جمع‌بندی نتایج پژوهش، شناسایی نقاط قوت و فرصت‌های موجود و نیز نقاط ضعف و تهدیدات مرتبط با آن در استان ایلام در این بخش به ارائه راهکارها و پیشنهادها در ارتباط با بالا بردن سطح توسعه در جامعه مورد نظر خواهیم پرداخت.

- متولیان امر و دستگاه‌های اجرایی با پیشه قرار دادن رفتارهای دموکراتیک و

مردم‌سالارانه نسبت به حذف تبعیض و بی‌عدالتی، افزایش اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی و نیز برقراری روابط و پیوندهای گسترده در جامعه زمینه را برای افزایش هر چه بیشتر سرمایه اجتماعی فراهم آورند.

- تهیه و تدوین برنامه راهبردی توسعه استان با تأکید بر توسعه فرهنگی - اجتماعی با توجه به اهمیت فرهنگ و مؤلفه‌های آن در بحث توسعه به‌طور کلی.

- در بخش تربیتی و جامعه‌پذیری افراد دقت شود تا سازمان‌های ذی‌ربط الگوهای عام فرهنگی و اجتماعی را در شیوه تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه مدنظر قرار دهند تا با ایجاد کنش‌های عام‌گرایان رفتارهای مانع توسعه از جامعه رخت برنندد و شرایط برای پذیرش رفتارها و هنجارهای خواهان توسعه در جامعه مهیا شود.

- تلاش برای شناخت راه‌های تولید سرمایه اجتماعی و راهکارهای اجرایی جهت تقویت و افزایش آن در جامعه از طریق تحقیقات علمی و دانشگاهی.

- تأکید بر کارهای مشارکتی و آموزش آن طریق رسانه‌های جمعی و نهادهای آموزشی و تربیتی در راستای شکل‌گیری رفتارهای مشارکت‌جویان.

منابع

- ۱) از کیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه، چاپ چهارم.
- ۲) از کیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- ۳) از کیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کیهان، چاپ نهم.
- ۴) اجتهادی، مصطفی (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۳، ۱-۱۲.
- ۵) برامکی یزدی، حجت‌اله (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر توسعه (مطالعه موردی: سرمایه اجتماعی)، مجله راهبرد، شماره ۱۶، زمستان، ۱۸۵-۱۶۰.
- ۶) پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- ۷) حبیب پور گتایی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). توسعه فرهنگی زنان (مطالعه موردی استان قم)، زن در فرهنگ و هنر، ۳(۲)، ۹۶-۷۷.
- ۸) خاکپور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله؛ باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه موردی: کوی سجادیه مشهد)، مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی دوازدهم، ۲۴۶-۲۲۹.
- ۹) خوشبین، یوسف (۱۳۹۰). مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۹، ۲۴۰-۲۰۷.
- ۱۰) رحیمی کیا، امین؛ رشید پور، علی (۱۳۸۸). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگی از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های استان لرستان، مجله مدیریت فرهنگی، ۳(۴)، ۸۹-۱۱۲.
- ۱۱) زنگی‌آبادی، علی؛ ابوالحسنی، فرحناز (۱۳۹۱). تحلیلی بر شاخص‌های توسعه ناحیه‌ای شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۸۵، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، چشم‌انداز زاگرس.

- ۱۲) سالنامه آماری سال ۱۳۹۶ مرکز آمار ایران، سایت مرکز آمار ایران.
- ۱۳) شارع پور، محمود (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، ۱۱۲-۱۰۱.
- ۱۴) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ، ترجمه: غلام عباس توسلی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۵) قاسمی، وحید (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد ایموس، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- ۱۶) قانع‌راد، محمدامین؛ حسینی، فریده (۱۳۸۴). ارزش‌ها، شبکه‌های روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی: مطالعه تجربی در بین جوانان تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، (۳)، ۹۷-۱۲۳.
- ۱۷) عزتی، یونس، حقیقتیان، منصور و احمد مؤذنی، (۱۳۹۷). مطالعه عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با توسعه فرهنگی شهروندان ایلام، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان، اصفهان.
- ۱۸) علائی، بهروز (۱۳۸۴). توسعه پایدار و سیستم‌های شهری در ایران (مطالعه موردی استان اصفهان)، پایان‌نامه کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان.
- ۱۹) کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۲۰) محمدی، جمال و ملیحه ایزدی، (۱۳۹۲). تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل عاملی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۶، ۱۰۴-۸۹.
- ۲۱) معمار، ثریا (۱۳۹۴). توسعه پایدار محله‌ای، تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- ۲۲) موسوی، میر نجف؛ قنبری، حکیمه و خالد اسماعیل‌زاده، (۱۳۹۱). تحلیل رابطه‌ی فضایی سرمایه اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری، مورد: شهرهای استان آذربایجان غربی، فصلنامه جغرافیا و توسعه، (۲۷)، ۱۰، ۱-۱۸.
- ۲۳) مولانا، حمید (۱۳۸۷). گذر از نوگرایی؛ ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه: یونس شکر خواه. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم.

۲۴) نقدی، اسداله و سوری، علی (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی و معمای رشد و توسعه، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۳(۷)، ۱۵۶-۱۴۵.

- 25) Bourdieu, P (1986). The Forms of Capital, in J Richardson(ed); Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, New York, Green wood.
- 26) Fukuyama, F (2001). Social capital, civil society and development, Third World Quarterly, 22:1, 7-20.
- 27) Gaotri, H (1986). Popular Participation in Development, in, Participation in Development. Paris: UNESCO.
- 28) Inglehart, R (1997). Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic and Politica Change in 43 societies, Princeton: Princeton University Press.
- 29) Jhonson, D (1993). Reaching Out: Interpersonal effectiveness and Self- actualization, Boston, Allyn and Bacon.
- 30) Nasrolahi Vosta, L & Jalilvand, M. R. (2014). Examining the influence of social capital on rural women entrepreneurship: An empirical study in Iran, World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development, vol. 10 no. 3, pp209-227.
- 31) Putnam, R (2001). Social Capital: ISUMA. Journal of Policy Research, 2, pp41-51.
- 32) Putnam, R (1995). Bowling Alone: America's Declining Social Capital, Journal of Democracy, 6, pp65-78.
- 33) Lee, Cynthia, Philip, Bobko, Susan Ashford, Zhen Xiong Chen & Xiaopeng Ren (2008). Cross-cultural development of an abridged job insecurity measure, Journal of Organizational Behavior, Volume 29, Issue 3, 373-390.
- 34) Susan, Saegert & Gary, Winkel (2004). Crime, Social Capital, and Community, American Journal of Community Psychology 34(3), 219-233.